



درس دهم
مرجعیت و ولایت فقیه
دبیر: مجید واله

آیه ی شریفه ی توبه ۱۲۲

و نمیشود که مومنان همگی اعزام شوند
پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی،
جمعی از آنها
تا دانش دین بیاموزند،
و مردم خویش را هشدار دهند
آن گاه که به سوی آنها باز گردند؛
تا مواضبت و توجه کنند.

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً
فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ
مِنْهُمْ طَائِفَةٌ
لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ
لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

● پیام آیه:

چون همه ی مردم نمی توانند دانش دین را به طور عمیق و تخصصی فرا بگیرند، باید کسانی این مسولیت را بپذیرند تا سایر مردم برای بدست آوردن احکام به آنان مراجعه کنند.

● پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر الهی و قرآن، کتاب جاودانه ی اوست. پیروی از دین اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی های خداوند زندگی کتد تا به رستگاری برسد.

راه حل قرآن کریم و پیشوایان ما برای تداوم «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» در عصر غیبت کبری

- سیره ی امامان بزرگوار: یکی از اقدامات امامان بزرگوار، تربیت دانشمندانی بود که بتوانند احکام اسلام را با مراجعه به قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم و امامان به دست آورند. این دانشمندان، به شهرهای دور دست که امامان حضور نداشتند می رفتند و احکام اسلامی را به آنان می آموختند. این روش، برگرفته از قرآن کریم بود.
- تفقه: به معنای تفکر عمیق است.
- قرآن کریم: قرآن کریم دستور میدهد گروهی از مردم وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به تفقه در دین بپردازند، تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند.
- فقیه: افرادی که به معرفت عمیق در دین میرسند، فقیه نامیده میشوند. ما مسلمانان وظیفه داریم در زمان غیبت امام عصر (عج) و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کنیم.

احادیث پیامبر اکرم و ائمه ای اطهار درباره ای وظیفه ای مسلمانان در زمان غیبت

- ①- پیامبر اکرم می فرمایند: «حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمیداند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگری را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.»

شرایط مرجع از دیدگاه امام صادق

② ۲- فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ

صَائِنًا لِنَفْسِهِ ي

حَافِظًا لِدِينِهِ ي

مُخَالَفًا لِهَوَاهُ

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ

هر کس از فقیهان که

نگهدارنده ی نفس خود

نگهبان دین خود

مخالفت کننده با هوی و هوس خود

فرمان بردار فرمان خداوند خود باشد،

پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.

شرایط قاضی از دیدگاه امام صادق

- ۳- از میان کسانی که در دین تخصص، دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را قاضی و حاکم قرار داده ام.
- باید مردم به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر میکند و آنها را می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.

دیدگاه امام صادق در مورد کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می کنند و راه حل ایشان:

- ۴- هر کس به حق یا به ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاعت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداوند است که می فرماید:
«می خواهند برای دآوری نزد طاعت روند، در حالی که باید به طاعت کافر باشند.»

● ۵- امام عصر (ع) در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که در باره ی «رویداد های جدید» عصر غیبت سوال کرد و راه چاره را جست و جو نمود، فرمود:

و در مورد رویداد های زمان،

به راویان حدیث ما رجوع کنید.

که آنان حجت من بر شمایند

و من حجت خدا بر آنها می باشم.

« وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا

فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ

وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ »

● در دوره ی غیبت، بنا به فرمان امام زمان (عج) و به نیابت از ایشان، « فقیه » واجد شرایط، دو مسئولیت « مرجعیت دینی » و « رهبری و ولایت » را بر عهده دارد و در حد توان، جامعه ی اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری میکند.

مرجع تقلید: فقیهان، با تفکر در آیات و روایات و با کمک گرفتن از موازین دقیق، احکام را بدست می آورند و در اختیار مردم قرار میدهند. مردم هم که خود در احکام دینی متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه میکنند و مطابق با راهنمایی های آنان عمل مینمایند. فقیهی را که برای احکام دین، به او مراجعه میشود، مرجع تقلید مینامند.

تقلید: یعنی رجوع به متخصص در احکام دینی.

ولی فقیه: از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره ی حکومت را دارد، رهبری جامعه را به دست میگیرد و به پیاده کردن قوانین الهی در جامعه اقدام میکند. فقیهی که این مسئولیت را به عهده دارد، ولی فقیه نامیده میشود.

*مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می یابد.

*حکومت اسلامی در چهارچوب ولایت فقیه استمرار پیدا میکند.

شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه

- ۱- با تقوا باشد.
- ۲- عادل باشد.
- ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز بدست آورد.
- ۴- با تدبیر و با کفایت باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده ی جهانی رهبری کند و با درایت و بینش قوی، نقشه های دشمنان دین را خنثی سازد.
- ۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و واهمه، با دشمنان دین مبارزه کند. در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.
- نتیجه: آن فقیهی که پنج شرط فوق را داشته باشد، حکومت و رهبری او مورد پذیرش دین است، یعنی از نظر دین مشروعیت دارد که مردم را رهبری کند. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.

راه های شناخت مرجع تقلید

- ① - خود ما به اندازه ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.
- ② - از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم.
- ③ - یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

پگونگی انتخاب ولی فقیه

از آنجا که ولی فقیه بیان کننده ی قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد. یعنی نمیشود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره ی جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است. در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته جمعی اقدام کنند و فقیهی را که دارای شرایط رهبری است، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به او بسپارند.

روش انتخاب ولی فقیه در کشور ما

- مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راهپیمایی های سراسری ولایت امام خمینی را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند.
 - اکنون نیز بنابر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره ی خود را انتخاب می کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کس را که شایسته تر برای رهبری تشخیص دهند، به جامعه اعلام میکنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی آیه الله خاتمه ای مسئولیت رهبری جامعه را عهده دار شدند.
- بنابر این فقیهی میتواند رهبری جامعه ی اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به بیش برد که هم (۱) شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت) و هم (۲) مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت).
- تشخیص این امر به عهده ی مجلس خبرگان است.

ولایت فقیه، زمینه ساز حکومت جهانی

امام عصر (عج)

- برقراری حکومت اسلامی در عصر غیبت، علاوه بر اینکه ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مومنان و منتظران حضرت مهدی (عج) فرصت میدهد که آن چه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازد.
- مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در پرتو آن میتوان راه را از بیراهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن بست می انجامد، راه درست را برگزید و آن را به سلامت پیمود. همچنین حکومت اسلامی، قلعه و حصار محکمی است که منتظران در آن به آماده سازی و تشکل خود می پردازند.
- معنای تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت: ارائه ی یک الگواز حاکمیت دین داران است که با الهام از تعابیر انبیا برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان ها تلاش می کنند. در این حکومت، زمینه ی عبودیت، معنویت خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می آید.

وظایف رهبر جامعه اسلامی

- ۱- تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه
- ۲- حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان
- ۳- تصمیم گیری بر اساس مشورت
- ۴- ساده زیستی

۱-تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه

چون جامعه اسلامی است باید مطابق قوانین
اسلام اداره شود

۲- حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان

*کشورهای بیگانه همواره سلطه بر سایر کشورها را میخواهند

*یکی از راه های سلطه طلبی فشار اقتصادی و روانی است

*نحوه ی اجرای این مسئولیت:

۱- دعوت مردم به استقامت و پایداری

۲- بستن راه های سلطه

۲-تصمیم گیری بر اساس مشورت

شرط حرکت جامعه به سوی پیشرفت و عدالت و تعالی، بهره گرفتن از اندیشه های اندیشمندان و متخصصان است.

در کشور ما نهاد های مختلفی به رهبری مشورت می دهند.

۴- ساده زیستی

*زندگی اشرافی حتی اگر مشروع باشد، سزاوار رهبر جامعه اسلامی نیست.

*رهبر با الگو قرار دادن اولیای دین زندگی ساده را دنبال میکند.

◉ در جامعه اسلامی رهبر جامعه انسان پیشرویی است که با قدم گذاشتن در مسیر کمال و عدالت، مردم را به این راه فرامیخواند و مردم نیز او را همراهی می کنند و در سختی ها تنها نمی گذارند.

◉ اساس پیشرفت حکومت اسلامی، مشارکت و همراهی مردم است.

مسئولیت های مردم

- ۱- وحدت و همبستگی اجتماعی
- ۲- استقامت و پایداری در برابر مشکلات
- ۳- افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی
- ۴- مشارکت در نظارت همگانی
- ۵- اولویت دادن به اهداف اجتماعی

۱- وحدت و همبستگی اجتماعی

● نتایج وحدت(علت) :

۱) قوی شدن کشور(معلول)

۲) یاری رهبر برای اجرای قوانین اسلام(معلول)

● عواقب تفرقه(علت):

۱) حکومت از پا درمی آید(معلول)

۲) سلطه گران بر کشور مسلط می شوند(معلول)

۲-استقامت و پایداری در برابر مشکلات

- مردم با استقامت خود(علت) توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم می کنند.(معلول)

۳-افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی

- لازمه تصمیم گیری صحیح در برابر ستمگران، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان است.
- باید به گونه ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را به دشمن بزنیم و خود کمترین آسیب را ببینیم.
- معیار درستی عملکرد ما:
 - (۱) ناراحتی دشمن: عمل ما درست بوده
 - (۲) خوشحالی دشمن: عمل ما اشتباه بوده

۴- مشارکت در نظارت همگانی

- همه افراد جامعه بر اساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به هم مسئولند
- مانند سوارشدگان بر کشتی هستند
- ثمرات انجام این مسئولیت (علت):
 - ۱) رهبر جامعه، مردم را پشتیبان خود می یابد (معلول)
 - ۲) اجرای احکام اسلامی در جامعه آسان تر می شود (معلول)

۵- اولویت دادن به اهداف اجتماعی

- ◉ زمانی که اهداف اجتماعی و منافع فردی در برابر هم قرار میگیرند، باید از منافع فردی بگذریم و برای اهداف اجتماعی تلاش کنیم
- ◉ مثال: خرید کالاهای ایرانی (علت) که به طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری و اداره موفق تر جامعه (معلول) می شود.

● کارگزاران، مدیران و مسئولان جامعه اند که در جمهوری اسلامی سه قوه مقننه و مجریه و قضاییه را تشکیل می دهند.

● کارگزاران:

- وظایف خود را بشناسند و عمل کنند(علت)،
- اعتماد مردم به حکومت افزایش می یابد(معلول)
- عملکرد غلط داشته باشند(علت) ، سبب افزایش مشکلات و ناکارآمدی حکومت می شوند(معلول)

عهدنامه مالک اشتر:

- حضرت علی این نامه را به مالک نوشت.
- این نامه نشان دهنده فکر و درایت امیرالمومنین علی (ع) در کشورداری است.
- وظایف کارگزاران را با علت به آنها گوشزد می کند

عهدنامه مالک اشتر:

ردیف	وظیفه کارگزار	علت پیشنهاد آن وظیفه
۱	با همه دوست و مهربان باش	مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر در آفرینش مانند تو هستند
۲	در به دست آوردن رضایت عموم مردم سعی و تلاش کن نه در جلب رضایت خواص	با وجود رضایت عمومی، خشم خواص به تو آسیبی نمی رساند و با خشم عموم مردم، رضایت خواص سودی نمی بخشد
۳	کسانی را که از دیگران عیب جویی می کنند، از خود دور کن	مردم عیب هایی دارند و مدیر جامعه باید بیش از همه در پنهان کردن آنها بکوشد
۴	عده ای از افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا درباره ی وضع طبقات محروم تحقیق کنند سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن	این گروه بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند
۵	از پیمان شکنی دشمنان غافل نباش	دشمن گاهی تو را از این راه غافلگیر میکند